

Psychological assessment of superstitious beliefs in the poetical works of Farokhi Sistani & Manocheri Damghani

Shokrolah Pour Alkhas³
Fateme najafi⁴

نقد روانشناسی باورهای خرافی در دیوان فرخی سیستانی
و منوچهری دامغانی
شکرالله پور الخاص^۱ (نویسنده مسئول)
فاطمه نجفی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۱۹

Abstract

Superstition which is caused when there is uncertainty, is human reaction towards nature and his surrounding.

Most superstitions mostly have had their roots in the social beliefs. These are passed down from generation to generation. They also have psychological roots and have been caused when people can't make out the cause and effect relationships of events. The false beliefs are threats for people against reasonable thinking and social progress; therefore they should be eliminated through correct planning.

This shows how Important the study might be, Specially concerning the reign of Gaznavids when as a result of un favourable conditions people were drawn mainly to superstition and this is reflected in the poem of Farrokhi Sistani and Manuchehri Dameghani. Their poetry include many examples of beliefs in destiny, fortune telling, magic and magicians, in auspicious heavenly bodies medicine men.... This study has tried to see through the psychological reasons of people's attraction towards superstitions in this era.

Keywords: Psychology of superstition, Gaznavids, Farrokhi Sistani, Manuchehri Dameghani.

چکیده

خرافات معلول زندگی آدمی و عکس‌العمل او در مقابله با طبیعت و محیط اسرارآمیز پیرامون وی است، که در مواقع حساس و لحظه‌هایی که عدم اعتماد و اطمینان به آینده وجود دارد حادث می‌گردد. اغلب خرافه‌ها در گذشته بخشی از نظام گسترده‌ی باورهای اجتماعی را تشکیل می‌دادند و به عنوان میراث اجتماعی به افراد رسیده و به همان صورت حاضر و آماده مورد قبول واقع شده‌اند. برخی از عقاید خرافی نیز منشأ روانی دارند. این افکار موهوم و خیالی افراد را از تدبیر مسائل بر اساس منطق و برنامه‌ریزی باز داشته و تهدیدی در جهت پیشرفت و توسعه‌ی جامعه محسوب می‌شوند از این رو باید با برنامه‌ریزی و بررسی دقیق علل بروز و اشاعه‌ی این باورها گامی اساس در کمرنگ کردن خرافات در سطح جامعه برداشت.

با توجه به آنچه گذشت، اهمیت تحقیق و بررسی درباره‌ی خرافات روشن می‌شود. به ویژه در عصر غزنوی که به دلیل مشکلات اجتماعی، بروز فقر و بیکاری و تنش‌های ناشی از آن خرافات مورد توجه و اقبال اکثریت افراد جامعه بوده‌است، و مردم بسیاری از امور زندگی خویش را بر اساس این باورها تنظیم و برنامه‌ریزی می‌کردند. از این رو در این مقاله تلاش می‌شود خرافاتی نظیر فال و طالع، چشم‌زخم، سعد و نحس، سحر و جادو، حرز و تعویذ که معتقدان زیادی در سطح جامعه داشته‌است و در شعر فرخی سیستانی و منوچهری دامغانی دو شاعر برجسته عصر غزنوی نیز بدانها اشاره شده‌است، از دیدگاه روان‌شناختی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و علل گرایش به خرافات در این عصر تبیین شود.

کلیدواژه‌ها: روان‌شناسی خرافات، غزنویان، فرخی سیستانی، منوچهری دامغانی.

^۱ استادیار دانشگاه محقق اردبیلی

Pouralkhas@uma.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه محقق اردبیلی

^۳ Assistant Professor, university of Mohagheh Ardabili

^۴ Master Student, university of Mohagheh Ardabili

مقدمه

واژه خرافات، جمع خرافه، در اصل به معنای سخن بیهوده، باطل و افسانه‌ای و اسطوره‌ای است و در تداول عمومی به عمل یا اعتقادات ناشی از نادانی، جهل، ترس از ناشناخته‌ها، اعتقاد به جادو و بخت یا درک نادرست علت و معلول‌ها اطلاق می‌شود.» (وارنینگ به نقل از الهامی، ۱۳۸۵: ۱۰۴)

مطالعه ریشه‌های تاریخی خرافات نشان می‌دهد که عوامل درونی و بیرونی زیادی باعث ایجاد، تقویت و اشاعه‌ی خرافات نزد ایرانیان شده‌است. اما نقش فرهنگ حاکم بر جامعه و جهل و نادانی در گسترش چنین باورهایی خصوصاً در جوامع قرون وسطایی پررنگ‌تر است.

«بی‌سوادی و محرومیت اکثریت خلق و بیکاری دسته بزرگی از طبقه روشنفکر جامعه در طی این دوره آنان را ناگزیر کرده بود که برای امرار معاش از زودباوری مردم به نفع خود استفاده کنند؛ فال‌گویان، ستاره‌شناسان، کیمیاگران، رمالان، و تعویذنویسان و غیره... هر یک گروه مخصوص به خود را تشکیل داده بودند و عده زیادی مشتری داشتند. این افراد با جهت‌دهی به جریان فکری جامعه اندیشه‌های خرافی مردم را در جهت منافع هیئت حاکم وقت رهبری می‌کردند و به طور محسوس به عوام‌الناس، مردم بی‌سواد و زودباور حکومت و فرمانروایی داشتند (راوندی، ۱۳۷۱: ۲۸۵).

در چنین شرایط اجتماعی حاکمیت جامعه به دست نیروهای مرموز و نامرئی و افسانه‌ای می‌افتد. هم بروز آفات کشاورزی و بلایای طبیعی و هم حاکمیت سیاسی افرادی چون محمود غزنوی بر اساس تقدیر و قضا تلقی می‌شود. و مناسبات اجتماعی نیز در این جامعه معمولاً بر اساس تقدیر و بخت و قضا شکل می‌گیرد. به همین دلیل، نجوم و خرافات گسترش می‌یابد و به عنوان حرب‌ای که مشکل فکر کردن و تحلیل عقلانی امور را از روی دوش افراد بر می‌دارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بر این اساس رهبران فکری و شرایط حاکم بر جامعه در رسوخ باورهای خرافی در این عصر نقش اساسی داشته‌اند. اما در کنار این عوامل، آنچه که باعث شده باورهای خرافی پس از گذشت قرن‌ها از شکل‌گیری آن همچنان پا برجا بمانند و در جوامع پیشرفته امروزی نیز همچنان مورد توجه و اعتقاد عموم افراد جامعه واقع شوند. نهادینه شدن آن‌ها در نفس و ذهن بشر است. بنابراین منشأ خرافه‌پرستی نفس و ذهن بشر به شمار می‌آید، نفس در مواجه با طبیعت اوضاع آن را به موجب استعداد خود در می‌یابد و از تغییرات و تأثیر آن متأثر می‌گردد و به تعبیر تأثیرات خود بر می‌خیزد. از این رو کیفیت و درجه روحیات هر قومی طرز و شکل خرافات آن قوم را معین می‌دارد. (رضازاده شفق، ۱۳۱۸: ۱۱)

اما در برابر هجوم بی‌امان باورهای خرافی که تهدیدی در جهت رشد و توسعه جامعه محسوب می‌گردد، چاره چیست و چه باید کرد؟ مسلم است که اگر خرافات را به حال خود واگذارند، به تدریج جنبه الوهیت می‌گیرند و عوام آن‌ها را وحی الهی تصور می‌کنند، پس باید درباره آن‌ها تحقیق کرد و پرده از روی کارشان برداشت و آن‌ها را نابود کرد. (هدایت، ۱۳۸۵: ۴-۲۳)

از این رو ضرورت و اهمیت تحقیق و بررسی درباره جادو و خرافات روشن می‌شود، مخصوصاً در عصر غزنویان که بسیاری از آداب و رسوم و باورهای مربوط به ایران پیش از اسلام را در خود انعکاس داده‌است. بر این اساس در این مقاله برخی از باورهای خرافی منعکس شده در اشعار فرخی سیستانی و منوچهری دامغانی از شاعران بنام عصر غزنویان از نقطه نظر روان‌شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

در خصوص نقد روان‌شناختی باورهای خرافی در شعر این دو شاعر تاکنون تحقیق مستقلی صورت نگرفته است اما در رابطه با مؤلفه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی موثر در گرایش افراد به خرافات تحقیقاتی

صارمی (۱۳۸۲) «سیمای جامعه در آثار عطار» در بردارنده‌ی بخش‌های گوناگون فرهنگ عامه است که در آثار عطار بدان‌ها اشاره شده است، در بخش مربوط به آداب و سنن و باورهای این کتاب نویسنده ضمن برشمردن خرافات رایج عصر به این مسئله که بسیاری از اعتقادات خرافی ریشه در اعصار کهن داشته و تنها ویژه این عصر نیست، اشاره کرده و اوضاع سیاسی، اجتماعی در گرمی و رونق بازار خرافات موثر دانسته است. (صارمی، ۱۳۸۲: ۱۸۶)

صانعی (۱۳۷۲) «جامعه‌شناسی ارزش‌ها» شامل بررسی نهادهای سیاسی، اجتماعی، دینی و فرهنگی ایران در طول تاریخ می‌شود صانعی نقد فرهنگ سنتی ایران که در آن بخت و تقدیر عامل مهم و تأثیرگذار در زندگی افراد قلمداد می‌شود، پرداخته است و در ادامه این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که عقاید زروانی و تعالیم این فرقه در کنار احساسات مظلومیت طبقات پایین جامعه در عصر ساسانی مهم‌ترین عامل اشاعه خرافه تقدیرگرایی محسوب می‌گردد. وی در این کتاب آرای ادیان و فرق مختلف در خصوص تقدیرگرایی را نیز مورد بررسی قرار داده است. (صانعی، ۱۳۷۲)

ملاباشی (۱۳۸۳) نویسنده در این مقاله ضمن بر شمردن خرافات رایج در ایران از جمله غیب‌گویی، طالع بینی، فالگیری و دیگر باورهای خرافی، به بررسی علل روان‌شناختی اعتقاد به این افکار موهوم پرداخته شده است و نتیجه‌گیری شده است که باید با توسعه علم‌گرایی و تکیه بر عقلانیت و استدلال در جهت از میان برداشتن باورهای خرافی اقدام نمود. (ملا باشی، ۱۳۸۳)

مولوی (۱۳۸۲) «روانشناسی خرافات» از مولوی مقاله‌ای است که در آن به تبیین انگیزه‌های روان‌شناختی در اعتقاد به خرافاتی نظیر چشم‌زخم، نحس دانستن اعداد و ایام و دیگر خرافات پرداخته شده و دیدگاه‌های پیامبر اعظم و احادیث منقول از ائمه در خصوص خرافات در آن ذکر گردیده است. نویسنده این مقاله در پایان نتیجه گرفته است که روح و نفس بشر در کنار عوامل اجتماعی

توسط پژوهشگران انجام شده است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره شده است.

الهامی (۱۳۸۵) در تحقیقی که با عنوان «انعکاس باورهای عامیانه و عقاید خرافی در شعر نظامی» صورت گرفته است نویسنده مقاله به این نتیجه رسیده است که، نظامی به بسیاری از آداب و عقاید زمان خود که بین عامه‌ی مردم گنجه رایج بود اعتقاد داشته و پایبند بوده است. همچنین وجود نمونه‌های بی‌شمار خرافات و باور-های عامیانه در شعر وی به عنوان شاعر عصر غزنوی و سلجوقی نشان از رواج این باورها و توجه شاعر به آداب و عقاید رایج در زندگی عامه‌ی خلق است. (الهامی، ۱۳۸۵: ۱۰۶)

پاکدامن (۱۳۷۸) به بررسی خرافات از نقطه نظر تاریخی و دینی و نقش اقوام بیگانه همچون مغولان در گسترش این باورها بخشی از مواردی هستند که در این کتاب بدان پرداخته شده است. پاکدامن در این اثر سه عنصر خوف، حیرت و جهل را عوامل اساسی در گرایش به خرافات دانسته و تعالیم کتاب مقدس قرآن را بهترین راهنمای زندگی، علاج خرافات و از بین برنده بیماری-های فکری، روحی و کج‌اندیشی‌ها معرفی می‌کند. (پاکدامن، ۱۳۷۸: ۱۹۵)

جاهودا (۱۳۶۳) جاهودا در کتاب روانشناسی خرافات که از جمله آثار مهم و ارزشمند در خصوص روانشناسی خرافات به حساب می‌آید ضمن ارائه تعریفی از خرافات به بررسی علل شکل‌گیری و تداوم باورهای خرافی تا عصر حاضر از دیدگاه روان‌شناختی پرداخته و دیدگاه‌های صاحب‌نظران این رشته را در خصوص خرافات تبیین کرده است؛ و نتیجه گرفته است که بیشتر باورهای خرافی در آغاز فقط تفسیرهای غلطی از پدیده-هایی بودند که با دقت کافی مورد مشاهده قرار نگرفته بودند. وی ضمن مؤثر دانستن تلقینات اجتماعی، تقلید از رفتار دیگران، عوامل روحی و اضطراب‌ها و تنش‌ها در رواج خرافات، فکر و نفس بشر را اساسی‌ترین عامل در گسترش خرافات معرفی می‌کند. (جاهودا، ۱۳۶۳)

سنت‌های زروانی در کنار نابسامانی‌های اجتماعی، اختلاف طبقاتی، وضع مالیات‌های سنگین، خشک‌سالی و قحطی‌های پی در پی خصوصاً در دوره دوم حکومت غزنویان بستر مناسبی را جهت بسط و توسعه عقاید قضا و قدری در این دوره فراهم ساخته بود. البته تلقینات و آموزش اجتماعی که با حمایت سردمداران جامعه و با هدف حفظ نظام اجتماعی و جلوگیری از طغیان مردم در برابر مشکلات اجتماعی، اقتصادی صورت می‌گرفت نیز در اشاعه چنین افکاری در جامعه عصر غزنویان مؤثر بوده است. (صانعی، ۱۳۷۲: ۳۰۹)

اشعار فرخی سیستانی و منوچهری دامغانی نیز مؤید اعتقاد گسترده به بخت و اقبال و قضا و قدر در این دوره است.

حصن خدایبست شها حصن

حصن تو دور از قدر و از قضاست

(فرخی، ۱۳۷۱: ۳۹۰)

این هم از بخت بلند است و هم از اختر
نیک شادباش ای ملک نیک‌خوی نیک

(همان: ۲۳۶۶)

به جهان بادی پیوسته و از دور فلک
بهره تو طرب و بهر بداندیش ملال

(همان: ۴۴۱۳)

و لیکن اتفاق آسمانی
کند تدبیرهای مرد باطل

(منوچهری، ۱۳۸۱: ۱۳۶۳)

بخت بی‌تقصیر و محنت روز بی‌مکروه و

دهر بی‌تلبیس و تنبل، چرخ بی‌نیرنگ و

(همان: ۸۸۸)

تقدیرگرایی توجیه‌کننده فقر و ناتوانی انسان‌ها شده سبب می‌شود آدمی تن به سرنوشت و تقدیر خویش داده و هیچ تلاشی جهت بهبود اوضاع زندگی خویش ننماید و فقر و بدبختی خود را به تقدیر و قضای الهی نسبت دهد و این خود روحیه کار و تلاش و پیشرفت را در جامعه

بیش‌ترین تأثیر را در روی آوردن مردم به خرافات بر عهده‌دارند. (مولوی، ۱۳۸۲: ۲۴-۲۲)

هدایت (۱۳۴۲) صادق هدایت در کتاب نیرنگستان به عنوان اولین اثر مستقلی که در رابطه با موضوع خرافات تألیف شده است. مردمان کهن و دارای تاریخ و تمدن را دارای خرافات بیشتری نسبت به دیگران دانسته و پس از بررسی پیشینه تاریخی و مذهبی برخی از اعتقادات خرافی علل شکل‌گیری آن‌ها را از نظر تاریخی مورد بررسی قرار داده است و در پایان این‌گونه نتیجه گرفته است که برای از میان برداشتن افکار موهوم و خیالی هیچ‌چیز بهتر از چاپ و نشر آن‌ها نیست زیرا این امر باعث کاسته شدن ارزش و اهمیت خرافات شده و گامی است در جهت نابودی آن‌ها.

بحث و بررسی

تقدیرگرایی

در فرهنگ ایران همواره افراد خود را در انجام سنده-ترین عمل ضعیف دانسته و حوادثی را که در دنیای خارج صورت می‌گیرد به تأثیر نیروهای خارج از بازرسی بشر نسبت می‌دهند. اگر فردی به مقامی می‌رسد یا صاحب ثروت می‌شود حمایت خدا پشتیبان او بوده است، اگر اشتباه در تصمیم‌گیری توسط افراد منجر به بروز فاجعه‌ای می‌شود تقدیر این چنین می‌خوانیده است. همه افراد سرنوشتی محتمم دارند و ستیزه کردن با سرنوشت جز شکست و پشیمانی نتیجه‌ای به بار نمی‌آورد. این افکار همیشه همراه ما بوده و مستمسکی بوده است برای توجیه ناتوانی‌ها شکست‌ها و تدابیر نادرست و نابرابری‌های اجتماعی.

ریشه این اعتقاد خرافی را می‌توان در عقاید زروانی جستجو کرد «نام دیگر زروان قضا بود و از این رو عقیده به قضا و قدر هم که یکی از اصول عقاید این فرقه به شمار می‌رفت از خلال این مذهب در دین زرتشتی راه یافت و در ارکان آن رخنه کرد.» (محمدی، ۱۳۷۴: ۲۱۷)

فرخی در وصف لشکر سلطان محمود به استفاده از تعویذ در هنگام شکار اشاره کرده است.

شاخ کرگانشان بود میخ طولیه در
چنگ شیرانشان بود تعویذ اسبان در شکار
(فرخی، ۱۳۷۱: ۱۰۸۶)
نه قوی دل کند افکنده او را تعویذ
نه سخنگوی کند خسته او را مرهم
(همان: ۶۷۲)

از جمله موارد استفاده از تعویذ جهت دفع چشم‌زخم بوده است. باوری که تقریباً در همه نقاط جهان فراگیر بوده و در ایران نیز پیشینه‌ای بسیار طولانی دارد، حضور دیو چشم‌زخم در اوستا و بندهشن نیز به قدمت و دیرینگی این باور در کشورمان دلالت دارد.

ابن‌سینا مبدأ چشم‌زخم را حالت نفسانی اعجاب-آوری می‌داند که در شخص یا شی مورد تعجب تأثیر می‌گذارد. (ملکشاهی، ۱۳۶۳: ۴۸۹)

ارغوان از چشم بد ترسد از آن رو هر
سرخ بیچاره چو تعویذ اندر آویزد زبر
(فرخی: ۱۳۷۱: ۳۷۵۱)
علاوه بر حرز و تعویذ استفاده از آیات قرآنی و اوراد خاص و همچنین سوزاندن اسپند از جمله راه‌های دفع اثر چشم بد و چشم‌زخم در این دوره بوده‌است که در شعر فرخی سیستانی نیز به آن‌ها اشاره شده‌است.

ز خوبی آیت‌الکرسی سه ره بر تن به تن
مرا گر آرزوش آید میان انجمن خواند
(همان: ۸۲۵۱)

چشم بد را ز چنان شاه بگردان به پسند
کافرین باد بر آن صورت نیکو منظر
(همان: ۲۰۴۵)

چو علم خواهد گفتن سپند باید سوخت
که بیم چشم بدان دور باد از آن مهتر
(همان: ۲۲۸۰)

تضعیف کرده به عقب‌ماندگی و ایستایی جامعه منجر می‌شود.

البته اعتقاد به قضا و قدر و بخت و اقبال در موارد خاصی کارکرد مثبت نیز می‌تواند داشته باشد زیرا در موقعیت‌هایی که افراد با وجود تلاش و کوشش در پیشرفت و نیل به اهداف به دلایل مختلف شکست‌خورده و به موفقیت نائل نمی‌شوند. با توسل به چنین عقایدی می‌توانند از شدت ضربه‌های عاطفی ناشی از شکست بکاهند و از این حربه به عنوان یک وسیله دفاعی مؤثر که زندگی را برای آنان قابل‌تحمل و توجیه می‌کند استفاده کرده از بیماری‌های روانی و نابسامانی‌های فردی رهایی یابند. (صانعی، ۱۳۷۲: ۵۳۶-۵۳۷)

حرز و تعویذ

«تعویذ در لغت به معنای پناه‌بردن، پناه‌دادن و در امان نگه‌داشتن و در اصطلاح به معنای دعا خواندن و حرز آویختن بر آدمیان، جانوران یا اشیاء برای محافظت آن-هاست.» (دهخدا، ذیل واژه‌ی تعویذ)
ریشه اعتقاد به تعویذ به فتیش‌گرایی برمی‌گردد که یکی از شیوه‌های جادویی دوران باستان محسوب می‌شود.

عقیده به فتیش به معنی کمک‌خواهی از نیروی پنهان و پوشیده در اشیای بی‌جان است. به بیان دیگر انسان‌های بدوی برای اشیاء خاص احترام قائل بودند و آن‌ها را مقدس می‌شمردند و از انواع سنگ‌ها، گیاهان، شاخ و پنجه حیوانات درخواست کمک و برآوردن نیازهایشان را داشتند و پیروزی‌ها و شکست‌های خود را به آنان نسبت می‌دادند. (سیف بهزاد، ۱۳۸۵: ۱۵۹-۱۶۰)

تا به امروز هیچ فرهنگی را در جهان نمی‌توان یافت که به نحوی گرایش به فتیش یا تعویذ نداشته‌باشد؛ همین که در زندگی امروزه و نزد برخی انسان‌ها عقیده بر آن است که برخی چیزها، پدیده‌ها و... خوش‌یمن و بدیمن هستند نشانگر تداوم این اعتقاد خرافی در عصر حاضر است.

ایرانیان سیاره مشتری را سعد اکبر می‌دانستند. بر طبق اسطوره و معتقدات کهن آریایی سیاره مشتری خدای خدایان محسوب می‌شده است، آریاها قبل از مهاجرت به سرزمین کنونی خود ایران، مشتری را به عنوان رب‌النوع درخشان آسمان می‌پرستیدند. اعتقاد به خدایی «اهورامزدا» در آیین زرتشتی که هر مزد یعنی سیاره مشتری است دنباله همان اعتقاد می‌باشد. (مصفی، ۱۳۸۰: ۷۳۶)

بر آسمان بزرگ‌ترین سعد مشتریست

با ماه بود مشتری اندر اسد قرین

(همان: ۶۸۰۷)

روانشناسان بازخوردها و طرز تلقی افراد در مواجهه با مسائل پیش رو را در بروز چنین اعتقاداتی موثر می‌دانند زیرا انسان همواره در زندگی با مسائل و مشکلاتی مواجه می‌شود که بازخوردهای خاصی در او پدید می‌آورد، نسبت به اشیاء و اشخاصی که نیازهای او را کامروا می‌کند یا زمان‌هایی که موفقیت‌هایش در آن برهه اتفاق می‌افتد بازخورد موافق و نسبت به موانعی که میان او، و هدف‌هایش حائل می‌شوند. بازخورد مخالف در او پدید می‌آید. (کرج، ریچارداس و دیگران، ۱۳۷۴: ۱۲۹)

از این رو، این طرز تفکر و عقیده افراد نسبت به حوادث و پیشامدها است که منجر به خلق سعادت و نوحوست از جانب آنان می‌گردد و گرنه به هیچ‌وجه نمی‌توان بر سعادت و نوحوست ایام و اجرام آسمانی اقامه برهان کرد چون طبیعت خود زمان از نظر مقدار طبیعتی است که اجزاء و ابعادش مثل هم‌اند و یک چیز محسوب می‌شوند پس از نظر خود زمان فرقی میان این روز و آن روز نیست تا یکی را سعد و دیگری را نحس بدانیم.

(پاک‌دامن، ۱۳۷۸: ۱۳۲)

سحر و جادو

«جادو به کار بستن فن‌ها و هنرهای مبتنی بر یک سری مقدمات بی‌بنیان و سست است که انسان بدوی

اعتقاد به حرز و تعویذ در میان افراد روان رنجور شایع‌تر است. «این افراد در برابر تهدیدهایی که احساس می‌کنند حالت دفاعی را در خود پرورش می‌دهند که به سادگی اشیاء و حرکات را برخوردار از نیروی جادویی تلقی کرده به طلسم و تعویذهایی پنهان پناه برده و آن‌ها را به عنوان راه حل مشکلات و ترس‌هایشان تصور می‌کنند.» (جاهودا، ۱۳۶۳: ۱۰۹)

احساس تسلط و امیدی که اعتقاد به حرز و تعویذ در فرد ایجاد می‌کند نیز در گرایش به این باور خرافی موثر بوده است.

سعد و نحس

سعد و نحس ایام و تأثیر کواکب در جهان و در سرنوشت اشخاص از خیلی قدیم در ایران رواج داشته است. هر چند امروزه ثابت شده است که این امر پایه عملی ندارد ولی در آن عصر آن را دارای اصالت علمی می‌شمردند و علاقه زیاد به آن داشته‌اند. در دربار پادشاهان غزنوی پیوسته عده‌ای از منجمین و ستاره‌شناسان حضور داشته و در تمام کارهای مهم طرف مشورت پادشاه بوده‌اند و ساعات خوش‌یمن را جهت انجام امور کشوری تعیین می‌کردند.

به فال نیک و به روز مبارک شنبد
نیذ گیر و مده روزگار نیک به بد
(منوچهری، ۱۳۸۱: ۲۷۸)

تا سعد و نحس باشد، با اختیار باشد
چونانکه اختیارش بی اضطرار
(همان: ۲۷۶)

چهارشنبه که روز بلاست باده
به ساتگینی می‌خور به عافیت
(همان: ۲۸۴)

روز منحوس به دیدار تو فرخنده
خنک آن کس که ترا بیند هر روز پگاه
(فرخی، ۱۳۷۱: ۷۰۱۷)

طب عامیانه

یکی دیگر از تحولات زندگی آدمی که بستر مناسبی را برای به وجود آمدن باورهای خرافی فراهم می‌کند بیماری است زیرا اغلب به طور ناگهانی حادث شده و فشار عاطفی زیادی هم به همراه دارد. از این رو طبابت عامیانه در آغاز با باورهای خرافی رابطه‌ای مستقیم داشت و اساساً طبابت در آغاز چیزی جز افسون و جادوگری نبود، هر وقت کسی مریض می‌شد می‌گفتند روح خبیثی در بدن او حلول کرده و باید آن روح خبیث را خارج نمود. (زاوندی ۱۳۵۸: ۲۱۰)

در عصر غزنویان نیز ابزارهای خرافی نظیر مهری مار، رشته تب، تعویذ در درمان بیماری‌ها کاربرد داشته است. و در اشعار شاعران نیز بازتاب یافته است.

چنانکه هر که مر او را کشنده مار گزید
امید رستن خویش افکند به مهری مار^۱

(همان: ۳۲۸۶)

حرزیست قوی نامش کز داشتن او
آزاد شود بنده و به گردد بیمار

(همان: ۳۳۱۶)

متوسل شدن به ابزارهای این چنین جهت درمان بیماری‌ها در دورانی که امور ماورایی پاسخ تمام مجهولات بشری تلقی می‌شد. چندان تعجب آور نیست. به خصوص که «بیماری به طور ناگهانی نازل می‌شود، و پیشینیان نیز آگاهی ناچیزی از آن داشتند. در نتیجه مبهم بودن روابط علت و معلولی همراه پدیده شبه دارو که جنبه‌های شبه جادویی دارد زمینه را برای رواج درمان‌های غیرعقلانی و چه بسا شیادانه هموار می‌سازد.» (جاهودا، ۱۳۶۳: ۲۵۹)

برای تحقق خواسته‌هایش از آن‌ها سود می‌جسته است.» (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه جادو)

چون انسان نخستین توان درک و فهم امور ماورایی را نداشت، پس با دنیایی از رمزها روبه‌رو شد و خود نیز به سوی راز و رمز کشیده شد، که سحر و جادوگری یکی از نتیجه‌های آن است، و برای رفع نیازهای روحی و اغلب جسمی - گروهی انجام می‌شده تا کم‌کم به شکل فردی خود تحول یافته و هر قبیله یک جادوگر داشته‌اند. این اعتقادات انسان را به سمت خرافه‌پرستی کشاند. سحر و جادو در گذشته شیوه‌های مختلفی را شامل می‌شد، کمک خواهی از نیروی پنهان اشیاء، تصرف در قوای روحی و غیبی جهان و سحر عوامانه یا تبرا از شرّ و مضرات ارواح موذی و خبیث از جمله شیوه‌های جادویی بودند که به عنوان راهکارهایی در برابر مشکلات و حوادث پیش رو مورد استفاده‌ی افراد قرار می‌گرفتند. (صالحی مقدم، ۱۳۸۹: ۹۶-۱۰۰)

جادوگران غالباً برای حل مشکلات مراجعه‌کنندگان طلسم‌هایی به آنان می‌دادند که جنبه تقدس داشت و برخی از آن‌ها باید همواره همراه شخص می‌بود که این نوع جادوگری بازمانده‌ی ادیان ابتدایی و آنی میسم است. (فضایی، ۱۳۵۷: ۸۱۳)

زگور مانی تدبیر او تباہ کید
فسون و جادویی جادوان مای به مای
(فرخی، ۱۳۷۱: ۷۵۱۲)

من بدین راه طلسم آگین همی کردم
از تفکر خیره مانده همچو شخص بی
(همان: ۶۷۴۴)

باورمندی به سحر و جادو نیز مانند بیشتر اعتقادات خرافی از جهل و نادانی و تمسک به راه‌های غیرعقلانی در تدبیر مسائل و بحران‌های پیش رو توسط افراد نشأت می‌گیرد. زیرا در چنین مواقعی افراد متوسل شدن به نیروهای غیبی و ماورایی را از پیدا کردن راه حل مشکلاتشان با تکیه بر توانایی‌های خود و استعانت از پروردگار متعال ترجیح می‌دهند.

۱. مهره مار در انواع مختلف طبیعی و جمادی و جزء مهره‌های سلیمانی به حساب می‌آید که به رنگ سفید و خاکستری دیده شده است و دارای جنسیت نر و ماده می‌باشد و در زمان جفت‌گیری مارها می‌توان آن را یافت (علی‌پور سعدانی، ۱۳۸۸: ۵۸).

فال و طالع‌بینی

بسان فال‌گویانند مرغان بر درختان بر

نهاده پیش خویش اندر پر از تصویر دفترها

(منوچهری، ۱۳۸۱: ۳۳)

بروز و اشاعه باورهای خرافی نظیر فال و طالع ممکن است در هر زمان و مکانی برای افرادی که کمتر از نیروی عقلانی خود کمک می‌گیرند اتفاق بیفتد شرایط تاریخی، اجتماعی، فرهنگی عصر غزنوی نیز عقلانیت و یافتن روابط علت و معلولی میان پدیده‌ها، اشیاء و حوادث را کم رنگ کرده بود و افکار موهومی چون فال و نیروهایی چون ستارگان و افلاک را عواملی تعیین‌کننده و اثرگذار در زندگی و سرنوشت افراد معرفی کرده بود.

البته در کنار شرایط محیطی میل انسان‌ها در جهت دستیابی به اطلاعاتی در خصوص آینده و سرنوشت و پاسخ دادن به این نیاز روانی نیز عاملی تأثیرگذار در گرایش به فال و طالع در همه ادوار تاریخی بوده است.

نتیجه‌گیری

در این بررسی اجمالی مشخص گردید که باورهای خرافی که در اشعار فرخی سیستانی و منوچهری دامغانی به آن اشاره شده‌است، تأثیری عمیق بر زندگی افراد جامعه داشته است تا حدی که افراد بسیاری از امور حیاتی و حتی تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز زندگی خود را بر اساس این باورهای خرافی و احتمالات آن تنظیم می‌کردند.

با بررسی روان‌شناختی این باورها مشخص گردید که جهل و نادانی نسبت به علت و معلولی حوادث، ترس‌ها، اشتیاق به آگاهی از آینده ناتوانی در برآورده کردن نیازها و خواسته‌ها، مشکلات اجتماعی و فرهنگی همگی در گرایش به خرافات در عصر غزنویان مؤثر بوده است ولی نقش نفس و ذهن بشر در گرایش به خرافات مؤثرتر بوده است، زیرا عقاید و رسوم خرافی ریشه در ناخودآگاه ذهن بشر دارد که تحت شرایط خاصی به سطح هوشیار ذهن می‌رسد.

یکی دیگر از موارد شایع خرافات که ریشه در اعماق وجود بسیاری از مردمان دارد تفأل و پیش‌گویی است انواع فال و طالع‌بینی قدمتی بسیار طولانی دارد. قرن‌ها پیش انسان‌ها ستارگان را موجوداتی اهریمنی یا خدایانی می‌پنداشتند که حوادث زمینی و موفقیت‌ها و شکست‌های آنان را رقم می‌زنند. طالع‌بینان و فال‌گیران با مطالعه و بررسی وضعیت ستارگان آسمان و یا هر نشانه‌ای که بتوان آن را با دنیای غیب مرتبط پنداشت از قبیل خسوف و زلزله، ظهور بی‌هنگام ستاره‌ای در آسمان و یا هر نشانه‌ای دیگر به پیش‌گویی سرنوشت و طالع افراد می‌پرداختند. فال یعنی پیش‌گویی سرنوشت انسان از روی نشانه‌های غیبی به همراه طالع‌بینی در عصر غزنویان نیز رواج کامل داشته است. پادشاهان قبل از اقدام به جنگ و کشورگشایی و یا تصمیم‌گیری در امور مهم مملکتی و مردم در لحظات سرنوشت‌ساز زندگی به فال‌گیران و طالع‌بینان متوسل شده و از آنان یاری می‌جستند. اشعار فرخی سیستانی و منوچهری نیز نشانگر این اعتقاد گسترده به فال و طالع است:

با فال فرخ آیم و با دولت بزرگ

با فر خجسته طالع و فرخنده اختیار^۱

(فرخی، ۱۳۷۱: ۶۹)

به فرخنده فال و بفرخنده اختر

به نوباع بنشست شاه مظفر

(همان: ۱۰۳۶)

دولت سعدش بیوسد هر زمانی

طالع میمونش باشد هر زمانی^۲

(همان: ۵۱۰)

به پیش‌بینی آن بیند او که دیده نی‌اند

منجمان به سطرلاب^۲ آسمان پیمای

(همان: ۷۵۱۴)

۱. اختیار به معنی بهترین وقت اخذ تصمیم برای انجام امور مربوط به زندگی می‌باشد. (مصفی، ۱۳۸۰: ۲۶۰)

۲. اسطرلاب، ابزار یا دستگاهی است که از آن برای نشان دادن اطلاعاتی از درخشنده خورشید و گردنده ماه استفاده شده و در آن مشخصات اختران در ایام متفاوت ثبت شده است. (موسوی، ۱۳۸۰: ۳۳)

صارمی، سهیلا. (۱۳۸۲). *سیمای جامعه در آثار عطار*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. چاپ اول.

صالحی مقدم، محمد اسماعیل. (۱۳۸۹). *ادیان در گذر زمان از آغاز تاکنون*. قم: انتشارات اندیشه و فرهنگ جاویدان. چاپ اول.

صانعی، پرویز. (۱۳۷۲). *جامعه‌شناسی ارزش‌ها*. تهران: کتابخانه گنج دانش. چاپ اول.

علی پور سعدانی، رضا؛ شیخ زاده، مرجان. (۱۳۸۸). *اشیاء جادویی در فرهنگ عامه‌ی ایران و تأثیر آن در نقاشی مکتب ستاخانه، نشریه‌ی باغ نظر*. صاحب امتیاز، سید امیر منصوری. شماره‌ی ۱۱: ۵۳-۶۸.

فرخی سیستانی، ابوالحسن. (۱۳۷۱). *دیوان فرخی سیستانی*. به کوشش محمد دبیر سیاقی. تهران: انتشارات زوار. چاپ چهارم.

فضایی، یوسف. (۱۳۵۷). *علم و ادیان از نظر تکامل اجتماعی*، مجله‌ی گوهر. صاحب امتیاز انجمن ایرانی اخلاق در علوم رفتاری، شماره‌ی ۷۱-۷۲: ۸۱۲-۸۲۰. محمدی، محمد. (۱۳۷۴). *فرهنگ ایران پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی*. تهران: انتشارات توس. چاپ اول.

مصطفی، ابوالفضل. (۱۳۸۰). *فرهنگ اصطلاحات نجومی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. چاپ چهارم.

ملاباشی، آمنه. (۱۳۸۳). *ریشه‌های روان‌شناختی اعتقاد به خرافات*، نشریه‌ی پیام زن. صاحب امتیاز، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم. شماره‌ی ۱۴۶.

ملکشاهی، حسن. (۱۳۶۳). *ترجمه و شرح اشارت و تنبیهات ابن‌سینا*. تهران: انتشارات سروش. چاپ اول.

منوچهری دامغانی، ابوالنجم. (۱۳۸۱). *دیوان منوچهری دامغانی*. به کوشش محمد دبیر سیاقی. تهران: انتشارات زوار. چاپ چهارم.

موسوی، حمید. (۱۳۸۰). *ستاره‌شناسی در دیوان احمد بن*

همچنین مشخص گردید که گسترش برخی از باورهای خرافی نظیر تقدیرگرایی و فال و طالع در سطح جامعه به کاهش اعتمادبه‌نفس افراد و انگیزه‌کار و تلاش در آنان منجر شده توسعه‌ فعالیت‌های جمعی و گروهی را کاهش داده و جامعه را از پیشرفت بازمی‌دارد و این امور لزوم برنامه‌ریزی جهت اصلاح باورهای خرافی و افزایش خردورزی در جامعه را آشکار می‌کند. به همین منظور جهت اصلاح باورها و اعتقادات افراد جامعه ابتدا باید افکار خرافی را از غیر خرافی تشخیص دهیم و درجه‌ علاقه و میزان گرایش مردم به آن‌ها را تجزیه و تحلیل کنیم، و از طرق مختلف عقاید و باورهای صحیح را به مردم یاد داده و اندک‌اندک این خرافات را از ذهن مردم پاک کنیم.

منابع

الهامی، فاطمه. (۱۳۸۵). *انعکاس باورهای عامیانه و عقاید خرافی در شعر نظامی*، مجله‌ی پیک نور. صاحب امتیاز، دانشگاه پیام نور. شماره‌ی ۱۹: ۱۰۴-۱۱۴.

پاک‌دامن، محمدحسن. (۱۳۷۸). *جامعه در قبال خرافات*. مشهد: نشر مرندیز. چاپ اول.

جاهودا، گوستاو. (۱۳۶۳). *روانشناسی خرافات*. ترجمه‌ی

محمدتقی براهنی. تهران: نشر نو. چاپ اول، دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۵). *لغت‌نامه*. زیر نظر دکتر محمد معین. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

راوندی، مرتضی. (۱۳۵۸). *تاریخ تحولات اجتماعی*. تهران: چاپخانه‌ی سپهر. چاپ دوم.

راوندی، مرتضی. (۱۳۷۱). *تاریخ اجتماعی ایران*. تهران: انتشارات نگاه. چاپ دوم.

رضازاده‌ی شفق، محمدباقر. (۱۳۱۸). *آموزشگاه پرورش افکار*. تهران: دبیرخانه سازمان پرورش افکار.

سیف بهزاد، فرخ. (۱۳۸۵). *روانکاوی و علوم غریبه*. تهران: نشر رسا. چاپ اول.

حسام خوسفی. تهران: نشر هزاران.

مولوی، سجاد. (۱۳۸۲). روانشناسی خرافات، مجله‌ی
اصلاح و تربیت، صاحب امتیاز، سازمان زندان‌ها و

اقدامات تأمینی و تربیتی، شماره ۱۸: ۲۱-۲۴.

هدایت، صادق. (۱۳۴۲). نیرنگستان. تهران: انتشارات
امیرکبیر. چاپ اول: ۹۶-۱۲۹

